

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۷ سپتمبر ۲۰۱۲

جبر و اختیار ؟؟؟ قضا و قدر ؟؟؟

بخش سوم

از پیشگامان معتزله یا طرفداران اختیار یکی هم معبد جهنی است که شاگرد حسن بصری می باشد او تقدیر را نفی می کرد. دیگری غیلان بن مسلم دمشقی می باشد که در مخالفت با امویان در دوران هشام بن عبدالملک کشته شد. واصل بن عطا (۸۰-۱۳۱) وی علم کلام را از فرزند محمد حنیفه به نام عبدالله آموخت و در مسأله (کلمه مرتکب کبیره) با حسن بصری مخالفت کرد و از حلقه درس او جدا شد و از آن روی لقب اعتزال به خود گرفت و به شاگردان به او لقب معتزله دادند.

یک تعداد از رهبران عقیده اختیار در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم در مخالفت با جبری گری پرداختند نه مخالفت با قضا و قدر!! و این عقیده در زمان (جبائیان) (ابو علی و ابو هاشم) که از شخصیت‌های مهم و برجسته معتزله در اوایل قرن چهارم می باشد به صورت یک مکتب کامل در آمد. مسلم در صحیح خود نقل می کند: فرشته‌ای که مأمور نطفه ها در رحم مادر است عرض می کند خدا یا این مرد شقی است یا سعید ؟؟ آنگاه نوشته می شود و کردار و اجل و روزی آن ثبت می گردد و نامه زندگی پیچیده می شود نه بر آن افزوده می گردد و نه از آن کاسته می شود. باز مسلم می گوید: آنگاه که خدا انسان را در رحم مادر آفرید او را شقی یا سعید می آفریند و هیچ انسانی نیست مگر آن که جایگاه او در ازل در بهشت و یا دوزخ نوشته شده و سعادت و یا بد بختی او تعیین گشته است. بخاری نقل می کند: خدا فرشته ای را می انگیزد و در باره چهار موضوع به او دستور می دهد: «روزی، اجل، شقاوت و سخاوت» به خدا سوگند هر یک از شما مرتکب عملی می شود که اهل آتش آن را انجام می دهد به اندازه ای پیش می رود که میان او و آتش بیش از یک ذرع فاصله نمی باشد. در این موقع تقدیر الهی سبقت می گیرد و این مرد کار اهل بهشت را انجام می دهد و وارد بهشت می شود به عکس گاهی انسان عمل اهل بهشت را انجام می دهد به گونه ای که میان او و بهشت بیش از یک و یا دو ذراع فاصله نمی باشد در این لحظه تقدیر بر عمل پیشی می گیرد و او کاری از کار های دوزخیان انجام می دهد و وارد دوزخ می شود. (التوحید شیخ صدوق) با در نظر داشت این احادیث می توان نتیجه گرفت که قضا و قدر سرنوشت ساز است. و اختیار انسانی رولی

سوره سبا آیت ۵۰ (یگو اگر همراه شدم بر ضرر خویش همراه شدم و اگر هدایت یابم به خاطر چیزی است که خدایم بر من ابلاغ می کند. او شنوا و نزدیک است) در این آیت ضلالت از خود بشر دانسته شده نه از آن تقدیر خدا!!؟؟
 واشنگتن اورن چنین می نویسد: محمد برای پیشرفت امور جنگی خود از این قاعده (جبر و تقدیر) استفاده کرده است زیرا به موجب این قاعده هر حادثه‌ای که در جهان رخ می دهد قبلاً در علم خدا مقدر بوده و پیش از آن که در جهان وجود آید در لوح محفوظ ثبت گردیده و سر نوشت هر کس قبلاً تعیین شده است و به هیچ وسیله‌ای نمی توان آن را مقدم و مؤخر ساخت. مسلمانان معتقد بر این اصل هنگام نبرد بدون بیم و هراس خود را به صف دشمنان می زدند. در نظر آنان مرگ در جنگ مساوی با شهادت بود و بهشت را نصیب انسان می ساخت بدین جهت اطمینان داشت که اگر کشته شوند و یا بر دشمن غلبه یابند در هر دو صورت پیروز شده‌اند (تاریخ الخلفاء - سیوطی) عبده استاد مصری اولین کسی بود که در مقابل عقیده جبر برخاسته و مذهب اختیار در محیط، اهل سنت عنوان کرد استاد شیخ محمد عبده در رساله تو حید خود آشکارا با عقیده جبر مخالفت نمود و آن را مخالف با ندای فطرت و درک خرد و شرایع آسمانی دانست.

سوره انعام آیت ۱۰۴: اسباب بصیرت از جانب خدا به سوی شما آمده است هر کس بصیرت یابد به سود اوست و هر کس کور بماند به ضرر اوست و من نگهبان شما از عذاب خدا نیستم
سوره انفال آیت ۴۲: تا آنکس که هلاک شدنی است پس از اتمام حجت هلاک شود و آنکس که شایسته زندگی است با اتمام حجت زنده بماند.

سوره طور آیت ۲۱: هر فردی در گرو عملی است که به دست آورده است
 اندیشه اختیار در شکل تفویض از مکتب اعتزال سر چشمه گرفته و از پیشتازان این مکتب واصل بن عطا (۸۰-۱۳۱) در قرن دوم اسلام است.
 طر فداران امامان و علمای اهل تشیع در رابطه به این موضوع امر بین الامرین (اختیار) را پذیرفته اند. یعنی آنها با رد نمودن هر دو مکتب (جبر و تفویض) یک راه وسط را انتخاب نموده اند. به این مفهوم که افعال انسان‌ها در حقیقت هم به خدا و هم به انسان منتسب است و هر دو در تحقیق آن مؤثر می باشند نه انسان می تواند در خارج از اراده و سلطنت خدا کاری صورت دهد و نه خدا انسان را بر انجام کاری مجبور می سازد
 مسأله جبر و تفویض و امر بین الامرین در طول ۱۴ قرن در میان مسلمانان مورد بحث قرار گرفته و در این باره صد ها کتاب و نشریه نگارش یافته است که محور این بحث‌ها سه چیز بوده است. ۱- محور جبر، آنهم جبر الهی (اشعری) ۲- تفویض به صورت تفویض معتزلی، ۳- امر بین الامرین.

با در نظر داشت این صحبت‌ها می توان پیروان مکتب جبر را چنین دسته بندی نمود. جبر الهی به شیوه اهل حدیث و اشاعره. جبر الهی به شیوه فلسفی. جبر مادی (جبر تاریخ) مکاتب اختیار در عقاید اهل تفویض - اختیار به صورت امر بین الامرین.

انگیزه‌های جبر - تو حید در خالقیت این که: ۱- در جهان جز خدا خالق نیست و اگر خدا خالق انسان است خالق افعال او نیز می باشد. ۲- علم ازلی و پیشین خدا نسبت به کائنات جهان من جمله افعال انسان ۳- تعلق اراده گسترده و ازلی خدا بر تمام کائنات و آنچه در جهان رخ می دهد متعلق به اوست. ۴- قضا و قدر در کتاب و این که سر نوشت هر انسانی در کتابی نوشته شده است. ۵- آیات قرآن که هدایت و ضلالت را از طرف خدا دانسته است.
سوره صافات آیت ۹۶ - خدا شما را و آنچه را عمل می کنید خلق می کند.

رعد آیت ۱۶ - او آفریننده همه چیز است.

فخر رازی در این مورد در کتاب رابعین (شرح منظومه حاجی ملا هادی سبزواری) چنین می گوید: اگر انسان پدید آورنده افعال خویش باشد باید به تفصیل افعال خود آگاه باشد در حالی که واقعیت غیر از آن است بسیاری از انسان ها کار هائی را انجام می دهند که از جزئیات آن اطلاع ندارند . **سوره رعد آیت ۱۶** - بگو خدا خالق همه چیز است اوست یگانه و غالب. **سوره مؤمن آیت ۶۳** - این است پروردگار شما آفریدگار همه چیز. خدائی جز او نیست . **سوره حشر آیت ۲۴** - اوست خدای آفریننده صورتگر.

علم ازلی و پیشین خدا ؟

تعلق اراده ازلی خدا بر افعال انسان . خدا در علم ازلی خود می داند که فلان در فلان وقت فلان عمل را مرتکب می شود.

علامه طباطبائی می گوید : خدا از هر پدیده ای با خصوصیات و ویژگی هائی که دارد آگاه است. او از افعال اختیاری انسان با همین ویژگی (اختیاری بودن) از ازل آگاه است و دراین صورت ممکن نیست افعال اختیاری انسان به صورت غیر اختیاری انجام شود. **سوره تکویر آیت ۲۹ و سوره دهر آیت ۳۰** (نمی توانید چیزی را اراده کنید مگر آن که خدا بخواهد) **سوره یونس آیت ۱۰۰** (هیچ انسانی ممکن نیست ایمان بیاورد مگر به اراده و خواست خدا .) **سوره حشر آیت ۵** (هر نخلی را که بریند و یا آن که آن را بر ریشه های خود رها کردند همگی به اذن خداوند بوده است.) همه چیز در صفات ذات خدا مشیت، اراده، قدر، قضا، اذن، وجود دارد.

این موضوع قضا و قدر یکی از جمله بحث های اساسی در اسلام است: قضا در زبان عربی به موضوعی اطلاق می گردد که از مرحله قضاوت گذشته و وارد اجراء شده است و قدر: یعنی اندازه جمع این دو کلمه به این معنی است که موضوع مطرح شده از تمام مراحل قبلی گذشته و برایش اندازه تعیین شده است.

بادر نظر داشت این که دین یک پدیده ای ماوراء الطبیعی نبوده و ساخته و پرداخته ذهنیت بشر می باشد که در ساختار، ادامه و تغییر مندی بنیادی در ادیان دست بشر شامل است و همین ادیان است که با طرح های خویش بشریت را به جهانی که هرگز کسی از آن بر نگشته است با مطرح ساختن آنچه احتیاج بشری در این دنیا است دسترسی به آن را مخصوص ادیان دانسته و تغییرات نسبی و گاهی هم بنیادی در ادیان روی همین ضرورت های مادی دین سازان می چرخد و آن ها سعی بر این دارند تا هر چه ابهامات و موهومات غیر محسوس و باور نکردنی است در دین خود آن را بگنجاند، روی این ملحوظ به آن خواسته ها و جهان دیگر شکل آسمانی داده و یک سلسله چیز هائی را به خدا تهمت می بندند باید دقیق بوده و توجه داشت.

دین سازان مخصوصاً اسلام سازان دین را یک ضرورت حیاتی تبلیغ داشته که شامل تمام حالات فردی شده و اجتماع انسانی را زیر چنگال های اهریمنی خود قرار می دهد .. آنها از دین چراغ رهنمای بشریت !! و لازمی برای تمام آدم ها؟؟؟ ساخته و از عالم غیب چنان تعریفی می گردد که بدون موجودیت دین بلا ها و آفات آسمانی بر بشریت نازل می شود . ملت بد بخت می گردد و اگر هم بد بختی طبیعی به سراغ انسان ها نیاید این دین سازان به خاطر رضای الله خونها می ریزند. به ناموس مردم تجاوز می کنند زندگی های مردم را به تاراج می برند و زیرا الهی را که آن ها تبلیغ می دارند از خون و جنایتی که به نام او (الله اکبر) یعنی خدای بزرگتر انجام می گیرد خوشنود می شود.

در اسلام دو نوع قضا از طرف الله بر جهان حاکم است : یکی قضای تکوینی و دیگری قضای تشریعی.

در قضای تکوینی تمام آنچه را که در جهان رخ خواهد داد و یا داده است در چوکات اراده الله است که برای جهان تعیین نموده است به این معنی که آنچه که بر سر این جهان آمده و یا خواهد آمد در آغاز پیدایش خداوند تعیین نموده و در کتابی نوشته است . سورة هود آیت ۶ (و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر روزی اش به عهده الله است و قرار گاه و محل مردنش را می داند همه در کتابی روشن (ثبت) است . سورة نمل آیت ۷۵ (و هیچ موجودی پنهان در آسمان و زمین نیست مگر این که در کتاب مبین (لوح محفوظ و علم بی پایان پروردگار) ثبت است . . سورة نباء آیت ۲۹ (و ما همه چیز را (قبل از پیدایش جهان) آمار گرفته و ثبت کرده ایم.

سورة انعام آیت ۲ (اوست کسی که شما را از گل آفرید آنگاه سرنوشتی را مقرر داشت و سرنوشت حتمی نزد اوست با این همه شما تردید می کنید.

سورة انسان آیت ۳۰ (شما چیزی را نخواهی خواست مگر این که الله آن را (برای شما) خواسته باشد قطعاً الله دانای حکیم است.

در مورد قضای تشریعی الله :

گفته می شود که الله برای هدایت بشر فرستادگانی را به زمین فرستاده است او این فرستادگان را قبلاً هدایت نموده ما باید به هدایت آن ها اقتداء نمائیم تا هدایت شویم

سورة انعام آیت ۹۰ (اینان- پیامبران- کسانی هستند که خدا هدایت شان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن بگو (ای پیامبر) من از شما هیچ مزدی بر این نمی طلبم این جز تذکری برای جهانیان نیست)

سورة یونس آیت ۱۰ (الله به سرای سلامت فرا می خواند و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند

سورة نساء آیت ۸۸ (شما را چه شده است که در باره منافقان دو دسته شده اید با این که الله آنان را به آنچه انجام داده اند سرنگون کرده است. آیا می خواهید کسی را که الله او را در گمراهی قرار داده هدایت کنید ؟ و حال آن که هر که را الله او را در گمراهی قرار داد هرگز راهی برای او نخواهی یافت

سورة ضحی آیت ۷ (و تو- پیامبر اسلام- را (الله) گمراه یافت پس هدایت کرد

سورة اعلی آیت ۳ (نام پروردگارت و مرتبه ات را منزله دار/ همان که خلق نمود و هماهنگی بخشید/ و همان کس که (برای مخلوقش) تقدیری مشخص کرد و - به سوی آن تقدیر- هدایت فرمود)

با در نظر داشت آیات فوق می توان نتیجه نسبی گرفت که : الله سرنوشت همه موجودات را قبلاً در علم ازل خود تعیین و موجودات جز طی نمودن آن مراحل و رهروی در آن مسیر چاره و اختیاری به جز آن خواست الله ندارند!!؟؟ یعنی اختیاری در کار نیست؟؟؟ به این اساس می بینیم که تبارز هزاران پیامبر در مقاطع زمانی و موجودیت کتابهائی به نام (کتاب های آسمانی) موردی ندارد و نمی تواند جز آنچه خدا خواسته در زندگی انسانی رول داشته باشند !!؟؟

سرنوشت کافران در قضا و قدر الهی

در اسلام دو نوع انسان وجود دارد مؤمن و کافر. ببینیم این موجودات که در قرآن به نام کافر یاد می شوند چه سرنوشتی دارند (در نوشته قبلی این دو نوع نوشته بودم که انسان آزاد و بنده و کنیز) که آن از دیدگاه طبقاتی و سیاسی اسلام بوده است و این از دیدگاه خلقت انسان می باشد.

قرآن می گوید هر کس که عقیده و دینی غیر از اسلام بر گزیند او کافر است و همه کافران نیز اهل جهنم هستند

(خلاف آنچه پژوهشگران اسلامی نوشته‌اند که هر کس در اختیار دین آزاد است) و این دروغ محض است؟؟ و باید اضافه نمود که در مورد نوشته آن هموطن عزیز بعداً خواهم نوشت.

قضا و قدر: احمد بن حنبل می گوید: خداوند قضا و حکم قطعی بر بندگان خود نموده و کسی را توان مخالفت با قضای الهی نیست و همه انسانها بایستی همان راهی را طی کنند که برای آنان مقدر گردیده و ناموس آفرینش آنها را به سوی آن سوق می دهد. شرابخوری، دزدی، آدمکشی، زنا، حرام خوری و شرک به خدا همه گناهان به قضا و قدر الهی است و (در عین حال) هیچ کسی حق احتجاج به خدا را ندارد. خداوند از ازل به گناهایی که از ابلیس و پیروان او سر می زند آگاه بوده و آنها را برای این منظور آفریده است همانگونه که از عبادت و فرمانبرداری صالحان عالم آگاه بود و آنها را نیز برای همین منظور خلق نموده است و هر یک از آنان به مقتضیات قضا و قدر الهی عمل می کنند و کسی را توان تعدی از این تقدیر و مشیت الهی نیست. همه اینکار ها به مشیت و تدبیر الهی بوده و مقتضای علم پیشین خدا می باشد و هر کسی که علم پیشین خدا را قبول دارد بایستی اراده سابق و تقدیر خداوندی را نیز بپذیرد

ختم بخش سوم